

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمدزید آبادی • سردبیر: محمدجواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی
• معاون سردبیر: مهرداد خدیبر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)، سمیه متقی (سیاست)
• الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (کسب) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتورها) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷
• نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

آفت دل ملوان زبل و جک تبرکش



علی مجتهدزاده

مترجم

همین پربروز یکی بهم گفت شلی دووال مرده آن هم به خاطر مرض دیابت و یادم آمد که چقدر حیف شد که اول «درخشش» کوبریک را توی خوابگاه دانشگاه دیدم و هر جا نشستم کلی از حرف زدم به‌ویژه از نقش مؤثر دندان‌های گنده‌ی شخصیت ودنی و جیغ‌های بنفش اش گفتم و دیگر نرفتم دنبالش که طرف کی بوده و چی.

خاله‌زنک‌های سینمادوست آن دوره می‌فرمودند که این شلی دووال که اسمش را توی تیتراژ خوانده‌ایم خواهر رابرت دووال، وکیل خانواده‌ی کورلونه توی «پدرخوانده» است و ما هرچی نگاه کردیم ربط کله‌ی کچل رابرت را به دندان‌های سفید شلی نفهمیدیم و بزرگتر که شدیم ویکی پیدا راه افتاده بود و فهمیدیم این حرف‌ها کشتک بوده.

همان خاله‌زنک‌ها می‌فرمودند که شلی دووال اصلاً نابازیرگر بوده و جز این فیلم هیچ چیز ندانگیز دیگری ندارد و این هم از آموخته‌های شب‌های دراز مزخرف‌بافی‌های بی‌پایان خوابگاه رسته‌های نمایشی بود و گذشت تا اینکه خبر جانگداز و جانسوز آمد و من رفتم گشتم دیدم دریا «ملوان زبل» آن هم در کنار رابین ویلیامز، آن هم به کارگردانی رابرت آلتمن.

دیدم و کلی خندیدم و از شگفتی‌های روزگار که در همان سال ۱۹۸۰ «درخشش» درآمده و چه گرمی داشت شلی دووال و این را همه می‌دانند که اسم شخصیتش جووی است که اگر تند بخوانی به انگلیسی می‌شود «روغن زیتون» و یک‌دفعه دیدم این سرکارعلیه جز جیغ‌زدن کارهای دیگر هم بلد بوده و از جمله چیزی را دارد که به عقل و سواد من یک کم‌دین تمام‌عیار کارکشته، باید داشته باشد که درک درست و حسابی از وضعیت بدن است که می‌داند

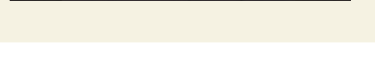
صورتش در چه حالی خنده‌دارترین وضعیتش را دارد و چطور باید دست به موهایش بکشد که تو از خنده روده‌ری بشوی. آن هم موهایی که آنجوری برایش درست کرده‌اند و موقع ایستادن با آن لباس قرمز چطور باید برق بکشد.

حالا بگیریم که بیشتر این‌ها را رابرت آلتمن به او گفته ولی اصلاً از بیخ همین رابرت آلتمن بود که او را در تگراس توی یک مهمانی کشف کرد و برداشت بردسر صحنه‌ی «بروستر مک‌کلا» که نقش یک راهنمایی تور را داشت و یک‌جا جان شخصیت اصلی را هم نجات می‌داد.

دیگر سر کار باز شده بود و آلتمن راضی و آنقدر با هم همکاری داشتند که غلط نکنم خاله‌زنک‌های سینمایی لس‌آنجلس هم همه به فکر و خیال افتاده بودند ولی شلی دووال از آن‌ها نبود که باجی به چیزی بدهد. همیشه از تیررس عکاس‌های زیگیل روزنامه‌ها دور می‌ماند و از روابط و زندگی خصوصی اش چیزی نمی‌گفت. اینقدری که پنهان کردنش نبوده و همه می‌دانند تپش یک ازدواج است و دو رفیق که با آخری زمانی طولانی ماند تا مرگ.

سرفیلم «سه زن» که آلتمن در سال ۱۹۷۷ ساخت چنان درخشید که جایزه‌ی بهترین بازیگری زن کن را به او دادند و جز این هم افتخار و سپاس کم در کارنامه‌اش نیست، چون دوبار نامزد امی بوده و یکبار هم نامزد جایزه‌ی سینمایی بریتانیا که بهش می‌گویند بفتا.

هرچه می‌خواهم از «درخشش» نگویم، شدنی نیست و زیاد هم خواهند گفت و گفته‌اند ولی بگذارد خاطرهای خودم را تعریف کنم که یک بار دی‌وی‌دی «درخشش» را کنار خیابان خریدم و آن وقت‌ها دانه‌های هزار تومان بود و این هم از مواهب زندگی در ایران و دیسکی که خریدم بودیم همه مخلفاتش را هم داشت از جمله پشت‌صحنه‌ی همان نمایی که کوبریک شیدایی مجنون صدوخرده‌ای بار تکرار کرد. نه که خدایی ناکرده فکر کنید با کوبریک دیوانه پدرکشتگی دارم ولی توی آن چند نمایی که از فیلم پشت‌صحنه بود، شلی دووال با قیافه‌ی خودش داشت مثل ابر بهار گریه می‌کرد و سیگار هم دستش بود و چه خوب یادم مانده که کوبریک هم دست به کمر ایستاده و سرکار خانم را فحش کش می‌کرد و من از این همه تنها یادم مانده که چقدر این زن زیبا بوده و چقدر بد دیدیمش.



عکس: ایرنا

مشت آخر

یاسین موسی‌خانی بوکسور ۱۷ ساله ملایری در پایان مسابقات انتخابی جوانان استان همدان دچار کاهش هوشیاری شد و پس از ۶ روز درگذشت

سی‌تی اسکن و مشخص شدن خونریزی مغزی از ناحیه راست جمجمه، در کمتر از ۴۰ دقیقه به اتاق عمل منتقل شد. دکتر مهدی ارچی پور، متخصص بیماری‌های مغز و اعصاب (نورولوژی) انجام عمل را برعهده گرفتند و در مرحله اول روند طی شده را رضایت‌بخش ارزیابی کردند. هوشیاری یاسین موسی‌خانی هم در حال افزایش بود تا این که متأسفانه روز پنجشنبه، ۲۱ تیرماه، مجدداً هوشیاری ایشان کاهش یافت و اتفاق بسیار تلخی که از آن مطلع هستتید رخ داد. «او با اشاره به این که یاسین موسی‌خانی از بااخلاق‌ترین و تکنیکی‌ترین بوکسورهای استان بود، تاکید می‌کند: «جوانب این حادثه ناگوار در دست بررسی است لذا از جامعه بوکس، همچنین اهالی رسانه درخواست می‌کنم تا اعلام نظر رسمی پزشکی قانونی، از اظهارنظرهای غیررسمی خودداری کنند.»



نرگس کیانی
خبرنگار گروه فرهنگ

مرگ تلخ است و مرگ جوان، تلخ‌تر. تلخ‌تر. مرگ جوان، تلخ است و مرگ نوجوان تلخ‌تر. مرگ نوجوان تلخ است و مرگ نوجوانی که هزار امیدو آرزو برای آینده دور و دراز خود داشته تلخ‌تر. تلخ است وقتی می‌شنوید بوکسور ۱۷ ساله، یاسین موسی‌خانی در پایان مسابقات انتخابی جوانان استان همدان در پی کاهش هوشیاری، برغم تلاش شش‌روزه پزشکان، چشمانش را برای همیشه به روی رینگ بوکس بسته است؛ اتفاقی که مردادماه ۱۴۰۱ برای نوجوانی دیگر رخ داده بود. محمدامین روستایی، دیگر بوکسور ملایری بود که در زمان حضور در اردوی تیم ملی و پس از انجام تمرینات، به‌بیکاره بی‌هوش شد و با وجود انتقال به بیمارستان و انجام عمل جراحی درگذشت. در این میان هرچند تاکید امید مرایی، دبیر هیئت‌بوکس استان همدان بر حضور پزشک‌یار در محل برگزاری مسابقات واقع در خانه کشتی همدان و فاصله بسیار نزدیک خانه کشتی همدان تا بیمارستان باعث این شهر است و از این می‌گوید که جوانب این حادثه ناگوار در دست بررسی است اما دکتر بابک زمانی، رئیس سابق انجمن سکنه مغزی ایران و عضو هیئت‌مدیره سازمان جهانی سکنه مغزی اساساً از زاویه‌های دیگر به موضوع می‌نگرد و با توجه به عواقب مرگبار بوکس حرفه‌ای بر یک نکتته تاکید می‌کند: «لطفاً مسابقات مشت‌زنی را متوقف کنید!» نکته‌ای که البته علی‌الظاهر برای مسئولان و متولیان این رشته محلی از اعراب ندارد. عواقب مرگباری که نمونه‌های جهانی آن نیز با جست‌وجویی ساده قابل مشاهده است. از کیم داک کو، بوکسور کره‌ای تا پاتریک دی، بوکسور آمریکایی و ماکسیم داداشف، بوکسور روس.

جزئیاتی از مرگ تلخ جوانی که آرزوها داشت

امید مرایی، دبیر هیئت‌بوکس استان همدان در گفت‌وگو با «هم‌میهن» ضمن تاکید بر این که تا پیش از ابلاغ نظر رسمی پزشکی قانونی نمی‌توان در خصوص علت حادثه اظهارنظری کرد، جزئیات حادثه را این‌گونه شرح می‌دهد: «مسابقات برگزار شده، انتخابی جوانان استان همدان جهت اعزام به مسابقات کشوری بود که قرار است در شهر ارومیه در استان آذربایجان غربی برگزار شود. این مسابقات به‌شکل قانونی و با حضور داوران رسمی، رئیس کمیته داوران، مسئولان هیئت‌بوکس استان و پزشک‌یار طی روزهای ۱۶ و ۱۷ تیرماه در خانه بوکس همدان در حال برگزاری بود. در روز ۱۶ تیرماه مسابقات ماقبل فینال و روز ۱۷ تیرماه مسابقات فینال به‌شکل تک‌بازی در جریان بود. در این روز قرار بود سه مسابقه انجام شود؛ مسابقه ۵۷ کیلو، ۶۳ کیلو و ۷۱ کیلو. با انصراف مبارز ۶۳ کیلویی قرار شد تنها مسابقه وزن ۵۷ کیلو و ۷۱ کیلو برگزار شود که اتفاقات بسیار تلخ و غیرقابل جبران رخ داده برای یاسین موسی‌خانی، بوکسور جوان ملایری در وزن ۵۷ کیلو رخ داد.»

طبق آن چه دبیر هیئت‌بوکس همدان می‌گوید، اگر چه در خانه بوکس آمبولانسی حضور نداشته اما ایرج صالح، پزشک‌یار هیئت‌بوکس حضور داشته است، ضمن این که مرایی بر فاصله بسیار اندک خانه بوکس تا بیمارستان باعث تاکید می‌کند و ادامه می‌دهد: «ما در این مسابقات از دستکش‌های استاندارد ۱۰ اونس و کلاه کاملاً استاندارد استفاده کرده بودیم و همه چیز به‌شکل قانونی در جریان بود. با پایان مسابقه ما متوجه بی‌حالی و سستی بدن یاسین موسی‌خانی شدیم و با از هوش رفتن او بلافاصله اقدام به تماس با ۱۱۵ کردیم. به‌جرات می‌توانم بگویم در کمتر از ۵ دقیقه، آمبولانس در خانه بوکس همدان حاضر شد و یاسین موسی‌خانی را به بیمارستان باعث منتقل کرد. با انتقال او به بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان باعث و انجام

چهره

سالمرگ پدر عود ایران

منصور نریمان، استاد موسیقی، نوازنده بریتو و از هنرمندان مؤلف تاریخ موسیقی ایران به‌شمار می‌آید که به پدر عود ایران شهرت دارد. نریمان در زمانی که ساز عود در ایران رونق نداشت و به‌نوعی سازی عربی محسوب می‌شد، توانست آن را احیا و به یکی از سازهای اصلی موسیقی ایران بدل کند. او مانند بسیاری از نوازندگان ایرانی عود، آموختن موسیقی را با تار و سه‌تار آغاز کرد. در آن سال‌ها عود، سازی بود که کمتر نوازنده‌ای سراغ آن می‌رفت و اگر قرار بود در ارکستری جا داشته باشد، نوازنده تار نواختن آن را برعهده می‌گرفت. در مجموع عود، ساز فرعی نوازندگان تار محسوب می‌شد. ۴۲ قطعه عود و ردیف موسیقی ایرانی برای عود و شیوه بریتونوازی از کتاب‌های منصور نریمان است که به‌وسیله هنرآموزان موسیقی تدریس می‌شود. منصور نریمان که به‌دلیل عارضه ریوی در بیمارستان بستری شده بود، با مداد چهارشنبه، ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ در بیمارستان بهمن تهران درگذشت.



کتابخانه

نامه‌های گرامشی از فاشیسم تا یهودیت

پس از محاکمه گرامشی در «دادگاه ویژه‌ی دفاع از کشور» در ژوئن ۱۹۲۸ و صدور حکم ۲۰ سال زندان برای این متفکر، دوره دوم زندان گرامشی - از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۱ - در توری آغاز می‌شود. این سال‌ها برای گرامشی سرشارند از بیم و امید، خلاقیت و تولید. گرامشی در گوشه‌ی سلولش در انزوای محض آثاری ارزنده می‌آفریند و میراثی فرهنگی از خود بر جای می‌گذارد که به تحولی اساسی در تفکر مارکسیستی قرن بیستم می‌انجامد. مسئله روشنفکران و نقش آنان در تاریخ ایتالیا در تمام نامه‌ها جلوه‌گر می‌شود. از دیگر مسائل مهمی که توجه گرامشی را به خود معطوف داشته - و در نامه‌ها و به‌شکلی مسبوس در انبوه یادداشت‌ها و نوشته‌هایش بازتاب یافته است - ماتریالیسم تاریخی بندت و مسئله فاشیسم، همچنین مسئله‌ی یهود است، نیز جامعه مدنی و جامعه سیاسی، فلسفه، مسئله زبان و تکوین و تکامل فرهنگ ایتالیایی. این کتاب در ۴۲۱ صفحه، با قیمت ۲۲۸ هزار تومان منتشر شده است.



نامه‌های زندان
(جلد دوم؛ از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۱)

نویسنده:

آنتونیو گرامشی

ترجمه: آثار موسوی

نشر: نی

تاریخ

افتتاح اولین مجلس خبرگان رهبری



اولین دوره مجلس خبرگان رهبری با شرکت ۱۸ میلیونی مردم در ۱۹ آذرماه ۱۳۶۱ برگزار شد و ۷۵ نفر از نمایندگان مجلس خبرگان تعیین شدند. در تهران سیدعلی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت و علی‌اکبر

هاشمی‌فسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی با بیش از ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار رأی و ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار رأی، نفرات اول و دوم شدند. اولین نشست مجلس خبرگان رهبری هم که در واقع نخستین مجلس خبرگان جامعه اسلامی پس از خبرگان قانون اساسی بود، در ۲۳ تیرماه ۱۳۶۲ با پیام حضرت امام (ره) افتتاح شد. در این مجلس علی مشکینی با ۴۵ رأی از ۶۴ رأی به ریاست مجلس خبرگان انتخاب شد. دیگر نامزدهای ریاست، احمد آذری قمی ۱۳ رأی و ابوالقاسم خزعلی ۶ رأی کسب کردند. اکبر هاشمی‌فسنجانی با ۳۸ رأی رابریس شد و دیگر نامزدهای نیابت محمدمهدی ربانی املشی ۲۱ رأی و یوسف صانعی ۵ رأی کسب کردند. این نتایج در حالی به دست آمد که جامعه مدرسین قم، آذری قمی را برای ریاست خبرگان و ربانی املشی را برای نیابت کاندیدا کرده بود که هیچ‌یک رأی نیاوردند.

او همچنین اشاره می‌گوید، این که یک‌نفر هوشیار و سالم از رینگ پایین بیاید، اصلاً به این معنا نیست که این ورزش و آن مسابقه تأثیری بر سلول‌های مغز او به ترتیبی که گفته شد، نداشته‌اند و نخواهند داشت. دکتر زمانی همچنین با اشاره به «مانس مشت‌زنان» از وقوع این اتفاق برای کسانی می‌گوید که سال‌های سال به‌مشت‌زنی حرفه‌ای پرداخته‌اند.

نظر به مجموع آن چه رخ داده و در حال رخ‌دادن است، تنها می‌توان اظهار امیدواری کرد که مسئولان مربوطه درک کنند که حتی وقوع یک مرگ هم به چنین دلیلی، غیرقابل پذیرش است. ضمن این که ممکن است بسیاری از افراد نیز بی‌آن که خود بدانند دچار آسیب‌های مغزی شده و در سال‌های آینده با عواقب آن دست‌وپنجه‌نرم کنند.